

اندیشه‌های تنهایی



پروفسور حسین شیبان

بخش دوم

۱۳- ارزش تنهایی و سکوت

ادم‌های بزرگ و عمیق، همیشه تنهایند. خلوت از جلوت سرشارتر و سکوت از گفتار، عمیق‌تر است. لذت کسی که دهان از طعام ناقابل و زبان از کلام لاطائل برمی‌بندد، بیش از کسی‌ست که طعام و کلام بسیار، نشخوار می‌کند!

در تنهایی و سکوت به اهداف بلندت بیندیش و به علایق و کارهای بزرگت فکر کن.

۱۴- روضه خودم!

در خلوت خویش نشست‌ام و قلم بر کف، به ظلمی که در میهن خودم و به دست هم‌وطنان و هم‌کیشان خودم بر من رفته است و می‌رود، می‌اندیشم.

درست چهار سال پیش در چنین روزی، در شهریور ۱۳۸۵، هیأت نظارت بر مطبوعات که متشکل از نمایندگان قوای مقننه، قضائیه و مجریه و نیز نمایندگان مطبوعاتیان، دانشگاهیان و هوزویان است، صلاحیت مرا برای انتشار مجله حافظ رد کرد و مجوز مجله خوب ما را لغو کرد. مفهوم مخالف این تصمیم آن است که صلاحیت علمی و عملی من - بدون استثناء - از تک‌تک مدیران جرایدی که مجوز نشر دارند، کمتر است!

از این ستم منفجر می‌شوم، اما حسن مسؤولیت‌م بر من می‌تازد که: تو گفته و نوشته‌ای که:

ایرانی‌ام، ایران‌زمین را دوست دارم
از مغرب و مشرق همین را دوست دارم
روضه خودت را نخوان! از مصائب دیگران بگوی.

۱۵- مصیبت دیگران!

باتویی نجیب که دو سال پیش پای سخنرانی من نشست بود، با فرزند دل‌بندش که پایان‌نامه‌اش را در دانشگاه می‌گذراند، نزد من آمده بود. حکایتی غریب نقل کرد که دلم خیلی سوخت. به او گفتم اسناد و مدارکش را بیاورد تا درد دلش را بازتاب بدهم. داستان او از این قرار است:

طاهره پورکاظمی‌ام. خانه دارم. شوهرم دندانپزشکی به نام دکتر احمد رجائی بود. نه سال پیش در ۵۷ سالگی برای این که خودش و ما را از نظر امدادرسائی پزشکی، بیمه خصوصی کند به شرکت بیمه «کمک‌رسان ایران = کساطب» مراجعه کرد و کارت عضویت گرفت. روز ۴ تیر ۱۳۸۰ شرکت بیمه در راستای تکمیل پرونده ما و تشخیص وضع سلامت شوهرم، او را به آزمایشگاه فرستاد. در آن‌جا برای اطمینان از سلامت کلیه‌های شوهرم قبل از سونوگرافی به او آب فراوان خورائیدند. در نتیجه فشار خون شوهرم بالا رفت و همان شب،

بوده‌ام که برای جامعه کار کار کرده‌ام. آیا عیب بزرگی است که حالا بعد از ۴۵ سال قلم‌زنی، گاهی، هر از چندی، چند سطر هم برای خودم - نه برای دیگران - بنویسم؟ اگر من خیاط بودم، آیا حق نداشتم برای خودم یک دست لباس بدوزم! اگر راننده تاکسی بودم، آیا حق نداشتم گاهی از تاکسی خودم برای سفر شخصی استفاده کنم؟ پس حالا که اهل اندیشه و قلم شده‌ام، چرا نباید در خلوت تنهایی‌ام برای شخص خودم یادداشتی بنویسم؟ آیا کوزه‌گر باید همیشه از کوزه شکسته آب بخورد؟



۱۷- دره تنهایی

همراهی و همسری با اشخاص بزرگ، کار افراد کوچک نیست. افراد کوچک و مردم عادی، توان درک اشخاص بزرگ و فهم اهداف بزرگ را ندارند. طعم عزت نفس، احساس مسؤلیت اجتماعی، فداکاری و ایثار را یا لذت علم و تقوی را، یا مزه کشف علمی و هنری را نچشیده‌اند. آن‌ها به چیزهای خیلی حقیرتری دل خوش می‌کنند.

البته، هر شخص تنهایی، بزرگ نیست، اما هر شخص بزرگی، به حقیقت، تنهاست. علی درد دل خود را با چاه می‌گفت.

باید بچشد لذت تنهایی را هر کس که ز دیگران فراتر باشد

این رباعی من درد دل من است:

از سینه گشم آتش آهی، گاهی
آری، گاهی بر آرم از دل آهی
هست از علی‌ام ارث که هر شب دارم
از تنهایی، دره دل با چاهی

۱۸- هدف و وسیله

- هدف را از وسیله تشخیص بده. در مسیر رسیدن به هدف، چندان با وسیله درگیر نشو که هدف اصلی فراموش شود.

- کاری را که دوست داری، انجام بده!

حدود ساعت ۱ بامداد روز ۵ تیر ۱۳۸۰ دچار سکته قلبی شد. من بلافاصله با تلفن‌های شرکت بیمه تماس گرفتم. پس از تلفن‌های مکرر به شماره‌های متعدد، فهمیدم در مرکز امدادسانی شرکت بیمه کسی جز یک کارگر ساده نیست! فرصت طلایی برای نجات شوهرم از دست رفت و عزیزی را که شریک زندگی و سرپرست خانواده ۵ نفری ما بود، از دست دادم.

پس از آن، وکیل گرفتم و علیه مسؤلان شرکت بیمه با عناوین «کلاهبرداری و قتل غیرعمد» دادخواهی کردم. از وکیل ناراضی‌ام. دادگاه، مدیران شرکت بیمه را تبرئه کرد. دادگاه استدلال کرد که اتهام کلاهبرداری، وارد نیست چون قرارداد جنبه حقوقی داشته و نه جزایی و از جهت اتهام قتل غیرعمدی نیز رابطه سببیت بین تأخیر شرکت کمک‌رسانی و فوت شوهرم احراز نشده است.

حالا من مانده‌ام و درد فراق شوهرم و عوارض مادی و معنوی کوچ او.

این بود مصیبت بزرگتری که مرا از خواندن روضه خودم منصرف کرد!

من نمی‌توانم سخنی بگویم که موجب تسلا شود اما از بازخوانی این پرونده به این‌جا می‌رسم که بگویم معیارهای حقوقی و مسؤلیت‌های کیفری، پایین‌ترین استانداردها و حداقل‌های لازم هستند. استانداردهایی که اگر عمل کسی از آن‌ها پایین‌تر بیفتد، به عنوان مجرم در دادگاه محکوم می‌شوند! اما استانداردهایی که در یک جامعه سالم باید رعایت شود، معیارهای آرمانی و اخلاقی و حسن مسؤلیت‌ست که فراتر از دستور قانون است. آن استانداردها، نه به حکم قانون که به حکم وجدان و انسانیت باید رعایت شود.

۱۹- چرا یادداشت‌های تنهایی؟

سوال: بله. چرا یادداشت‌های تنهایی؟

جواب: من ۴۵ سال است که نویسنده‌ام؛ همیشه برای دیگران نوشته‌ام و می‌نویسم؛ یعنی فردی

۱۹- دروغ‌های تاریخی!

امیرکبیر در باغ فین کاشان بر اثر توطئه سیاست‌های استعماری به فرمان شاه جوان - ناصرالدین شاه - به دست جلادی گوش به فرمان به شهادت رسید. اما: الف. مهمترین مورخ عصر، لسان الملک سپهر در ناسخ التواریخ نوشت که امیرکبیر بر اثر ورم پا بدرود حیات گفت! ب. مهمترین روزنامه عصر، تایمز لندن خبر قتل امیرکبیر را با سکوت مطلق برگزار کرد.

نتیجه اخلاقی: ۱- وقایع‌نگاران داخلی همیشه اخبار راست و درست گزارش نمی‌کنند.

۲- رسانه‌های خارجی به منافع دولت متبوع خود می‌اندیشند و همیشه در مقام خیرسانی صادقانه نیستند.

۲۰- نام کوچک!

روز چهارشنبه سوم شهریور [۱۳۸۹] که مصادف چهاردهم رمضان بود در تالار اجتماعات بزرگی به افطار دعوت بودم. خودم مهمان داشتم. با مهمانانم که در میان آنها استاد دانشگاه، امیر ارتش، سردار سپاه، نویسنده، شاعر و ادیب و زن و مرد و پیر و جوان بسیار بود، افطار کردم و شام خوردم. آخر وقت، فقط برای ادای احترام به آن مجلس پرجمعیت رفتم. کنار فروزنده اربابی، دکتر حسین باهر و بانو و مریم رضایی نشستم. از شخص من مطابق معمول احترامی به عمل آمد و من هم به اقتضای زمان و مکان پشت میکرفون رفتم و ادای وظیفه کردم. اما در آن مجلس، دوستی پشت بلندگو رفت و سخنی گفت

که هیچ نپسندیدم. گفت: من نام پسرم را سیامک گذاشتم. کسی به من گفت: - چرا نام پسرت را محمد، علی، حسن و حسین نگذاشتی؟

- گفتم: محمد و علی و حسن و حسین که همه حمال‌اند. همه حمال‌ها این اسم‌ها را دارند!

خیلی دلم سوخت. چرا یک مسلمان زاده ایرانی که نام خودش «احمد» است، باید تا این درجه، با سنت‌های جامعه خود دشمن شده باشد؟

جوابش را باید از دیگران پرسید! کسانی که از صدقه سر پیشوایان دین و مذهب به مسند و منصب رسیده‌اند ولی مردم را با نسبت دادن خود به آن بزرگان، از دین و مذهب چنین دور کرده‌اند!

Best Service

with
High Integrity



Real Estate Professional



Layla Niaki
Realtor[®]
GRI, Quality
Service Certified



چنانچه مایل به:

- خرید
- فروش
- سرمایه گذاری ملکی

در هوستون و دیگر شهرهای آمریکا

هستید، می‌توانید از خدمات ما برخوردار شوید.

اطلاعات در مورد محل مورد نظر به طور رایگان در اختیار شما قرار خواهد گرفت

810 Highway 6 S, Ste 100
Houston, TX 77079

Cell: (713) 501-8148
Fax: (281) 598-9078

email: layla.niaki@realmpro.com